

کاربرد سبک‌های یادگیری در آموزش حسابداری

فاطمه زین الدینی میمند^۱، مریم اکبرزاده^۲، مجتبی ابراهیمی رومنجان^۳

چکیده- از مؤثرترین رویکردها در مطالعه یادگیری، سبک‌های یادگیری است که در سال‌های اخیر با تأکید بر آن چارچوبی نسبتاً نوین در زمینه یادگیری تدوین شده است. نوع سبک یادگیری که دانشجویان از آن راه، یادگیری خود را هدایت می‌کنند، اثر مهمی بر برآیند آموزش دارد. به علاوه آگاهی از رویکردهای مطالعه و عواملی که بر انتخاب نوع سبک یادگیری دانشجویان اثر می‌گذارد، برای طراحان برنامه‌ی آموزشی و مدرسان اهمیت بسزایی دارد. از اینرو تحقیق حاضر با هدف بررسی کاربرد سبک‌های یادگیری در آموزش حسابداری طراحی و اطلاعات لازم برای آزمون فرضیات تحقیق از بین ۱۰۰ تن از دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی حسابداری دانشگاه‌های علمی کاربردی، آزاد اسلامی، پیام نور و فنی و حرفه‌ای بیرجند با استفاده از پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۷۶) بود. نتایج نشان داد که سبک غالب یادگیری در بین دانشجویان مورد بررسی در این تحقیق، سبک انطباق‌یابنده است. علاوه بر این همبستگی معناداری بین سبک‌های همگرا و جذب‌کننده با معدل وجود داشت، از سوی دیگر تحلیل رگرسیونی انجام شده، نشان داد که سبک‌های جذب‌کننده و همگرا پیش‌بینی‌کننده معنادار افزایش معدل، و سبک انطباق‌یابنده پیش‌بینی‌کننده معنادار کاهش معدل بودند. سبک‌های یادگیری جذب‌کننده و همگرا به طور معناداری در مقطع کاردانی بیشتر از مقطع کارشناسی بود. همینطور مشخص شد که بین سبک‌های یادگیری براساس جنس تفاوت معناداری وجود ندارد. و از سوی دیگر بین سبک‌های یادگیری بر اساس وضعیت اشتغال تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سبک‌های یادگیری، آموزش حسابداری، سبک جذب‌کننده، سبک واگرا، سبک همگرا، سبک انطباق‌یابنده.

مقدمه

اصطلاح سبک، به الگوی غالب فرد در انجام دادن کارها اشاره دارد. سبک یادگیری، روش ترجیحی یا معمول فرد برای یادگیری است. عوامل مؤثر بر یادگیری بسیار گسترده و وسیع بوده و شناسایی این

۱. مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

۲. مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

۳. دانشجوی دکتری حسابداری و مدیر گروه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی فردوس

عوامل در رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در سیستم آموزشی مهم است. یکی از این عوامل سبک یادگیرندگان است.

تفاوت‌های فردی در یادگیری از دیرباز مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. این عقیده که تفاوت‌های افراد در یادگیری صرفاً ناشی از تفاوت‌های آن‌ها در هوش و توانایی است تا مدت‌ها در دنیای تعلیم و تربیت پذیرفته شده بود، اما بعدها تغییر یافت. پژوهشگران نشان دادند که دانش‌آموزان سبک‌های یادگیری متفاوتی دارند، یعنی اطلاعات را از راه‌های مختلف تجزیه و تحلیل می‌کنند و یاد می‌گیرند. امروزه کاملاً مشخص شده است که تفاوت‌های افراد در یادگیری فقط تا حدی به هوش و توانایی‌های آن‌ها بستگی دارد؛ بنابراین عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی، دشواری تکلیف‌ها و تفاوت سبک‌ها نیز در این امر دخیل‌اند.

سبک‌های یادگیری در اوان کودکی به طور ناخودآگاه تحت تأثیر آمادگی‌های زیست‌شناختی فرد و عوامل محیطی او شکل می‌گیرند، افراد در یک موقعیت یکسان متفاوت یاد می‌گیرند که شاید مهمترین دلیل آن سبک‌های یادگیری متفاوت آنان باشد این سبک‌ها تعیین می‌کنند که در برخورد با یک موقعیت، فرد چه مدت، به چه چیز و به چه میزانی می‌تواند توجه کند. به رغم مثبت ارزیابی نمودن نقش سبک‌های یادگیری در موفقیت تحصیلی، یادگیری آموزشگاهی، انگیزه تحصیلی و روش‌های آموزش، انتقاداتی نیز بر آن وارد شده است. از جمله آن انتقادات، این است که برجسته نمودن سبک‌های یادگیری در نظام آموزشگاهی به انفرادی ساختن آموزش منجر خواهد شد که این امر بار سنگینی را بر نظام‌های آموزشی تحمیل خواهد کرد (استال^۱، ۲۰۰۲). به رغم وجود چنین انتقادی، عمده مطالعات انجام شده در این زمینه، نقش سبک‌های یادگیری را در موفقیت و ارتقای انگیزه تحصیلی دانشجویان مثبت ارزیابی نموده‌اند (هانیگسفلد و شیرینگ^۲، ۲۰۰۴). از این رو، به علت اهمیت نقش سبک‌های یادگیری بر موفقیت تحصیلی، یادگیری آموزشگاهی، انگیزه تحصیلی و روش‌های آموزش، وجود یک ابزار معتبر در این زمینه، نه تنها می‌تواند یادگیرندگان را در تشخیص اینکه "چگونه یاد می‌گیرند" توانا سازد بلکه می‌تواند آنان را در این مهم، که چگونه می‌توانند یادگیری خود را ارتقا دهند، کمک رساند. هدف اصلی از پژوهش‌های سبک‌های یادگیری به دست

۱. Stall

۲. Honigsfeld & Schiering

آوردن اصولی است که طراحان آموزشی را به گسترش دادن محیط یادگیری متناسب با سبک خاص فراگیر قادر می‌سازد (های چینگ و ریوز، ۱۹۹۲). از آنجا که تحقیقی در حوزه سبک‌های یادگیری در رشته حسابداری صورت پذیرفته است. لذا به دلیل اهمیت شناخت سبک‌های یادگیری در تمام عرصه‌های زندگی، تحقیق حاضر به مقایسه و بررسی سبک‌های یادگیری می‌پردازد.

بیان مسأله

تنوع دانشجویانی که وارد دانشگاه می‌شوند روزبه‌روز در حال افزایش است. این دانشجویان معمولاً دارای زمینه‌های تربیتی و فرهنگی متفاوتی بوده و فارغ التحصیل دبیرستان‌ها و موسسات آموزشی مختلف با سبک‌های آموزشی متفاوت هستند. همراه با چنین تنوعی، انتظارات زیادی در زمینه انواع رسانه‌های آموزشی مورد استفاده برای ارائه اطلاعات و مطالب آموزشی شکل گرفته است. این تغییرات و پیشرفت‌ها در فناوری آموزشی موجب شده تا آموزشگران روش‌های سنتی آموزشی را مورد بازنگری قرار داده و تأکید بیشتری بر اهمیت توجه به سبک‌های یادگیری دانشجویان در طراحی و ارائه دوره‌های آموزشی بنمایند (ذوقی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). عدم هماهنگی میان سبک تدریس استاد و روش یادگیری دانشجو به عنوان یکی از موانع یادگیری در کلاس درس مورد توجه می‌باشد و دلیلی برای استفاده از شیوه‌های آموزشی متنوع برای ارائه مطالب محسوب می‌گردد. مفهوم استفاده از روش‌های تدریس مختلف بر مبنای این اصل قرار دارد که حداقل بخشی از مطالب می‌بایست به شیوه‌ای متناسب با سبک یادگیری هر یک از فراگیران موجود در یک کلاس یا دوره آموزشی ارائه شود (دابسون^۲، ۲۰۰۹). برخی از مطالعات بر بیان انواع یادگیری تأکید دارند به گونه‌ای که اساتید درک بهتری از دانشجویان خود بدست آورند. این اطلاعات می‌تواند برای راهنمایی در جهت انتخاب روش‌های آموزشی مورد استفاده در کلاس درس بکار آیند (نورمن^۳، ۲۰۰۹).

۱. Hueyching & bReeves

۲. Zoghi

۳. Dobson

۴. Norman

دانشجویان دارای تفاوت‌های فراوانی هستند که در آموزش نقش اساسی دارد، آن‌ها از نظر یادگیری، توانایی کارآمدی و توانایی تفکر منطقی با یکدیگر تفاوت‌های مهمی دارند، در برابر مشکلات و چالش‌ها نیز با شیوه‌های متفاوتی برخورد می‌کنند، برخی از دانشجویان از فعالیت‌های جدید لذت می‌برند و دوست دارند کارها را خود مجدداً سازمان دهند، در حالی که دیگران کارهای از قبل آزمایش شده و مطمئن را ترجیح می‌دهند و قادر به سازماندهی مجدد آنها نیستند. به عبارت دیگر، یادگیرندگان از نظر شخصیتی، نگرش‌ها، واکنش‌های هیجانی، شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری، سبک‌های شناختی و غیره با هم تفاوت‌هایی دارند که یادگیری و نحوه برخورد آن‌ها با مسائل و مشکلات را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایزدی و محمدزاده ادمایی، ۱۳۸۶).

برای بهبود توانایی‌ها و استعداد‌های دانشجویان (آموختن چگونه یادگرفتن)، استادان حسابداری باید از پارادایم‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان و مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات استفاده کنند. پژوهش‌های رویکردهای یادگیری دانشجویان که از ریشه‌های پدیده‌شناسی کلاس‌های دانشگاهی است، بین کیفیت پیامدهای یادگیری تفاوت قائل می‌شود، لذا صرفاً بر روی عملکرد خام تحصیلی تأکید می‌کند. پارادایم مدل‌های پردازش شناختی اطلاعات به استادان حسابداری کمک می‌کند که چگونگی ارائه، سازماندهی و پردازش اطلاعات توسط یک یادگیرنده (دانشجو) را درک کنند و توانایی‌های آنها را به هنگام روبرو شدن با مشکلات سازمان یافته و سازمان نیافته، شناسایی کنند. استادان حسابداری تنها وقتی که درک و فهم درستی از مفاهیم سبک یادگیری شناختی داشته باشند، می‌توانند به مرور زمان توانایی‌های یادگیری دانشجویان خود را تحقق بخشند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که دانشجویان برای مطالعه و یادگیری درس‌های خود از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند، این روش‌ها تا اندازه‌ای تحت تأثیر سبک‌های یادگیری و تا اندازه‌ای تحت تأثیر محتوای درس‌ها شکل می‌گیرند. مارتون (۱۹۸۸) به نقل از امامی‌پور و شمس اسفندآباد) مسائل مربوط به فرایند یادگیری را به دو بخش تقسیم کرده است:

۱) چه چیزی آموخته می‌شود؟

۲) چگونه آموخته می‌شود؟

رویکردهای مختلفی در پاسخگویی به سؤال دوم مطرح شده‌اند؛ از جمله نظریه‌های مربوط به «سبک‌های یادگیری» و «سبک‌های شناختی». در واقع سبک‌های یادگیری به ویژگی‌های فردی و رویکرد ثابت در سازماندهی و پردازش اطلاعات جهت پاسخگویی و به کارگیری محرک‌های موجود در موقعیت یادگیری اشاره دارد. پژوهش‌های انجام شده درباره سبک‌های یادگیری نشان داده‌اند چنانچه با توجه به ترجیحات و سبک‌های متناسب افراد به آن‌ها آموزش داده شود، به طور محسوسی پیشرفت تحصیلی آن‌ها افزایش می‌یابد (زندى و رشیدی، ۱۳۸۷). محققان معتقدند که اگر سبک یادگیری فرد با رشته‌ای که در آن تحصیل می‌کند همخوان نباشد شخص یا از آن رشته انصراف داده و یا منجر به نارضایتی وی نسبت به آن می‌شود. با توجه به تأثیر سبک‌های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان لازم است مدرسان از چگونگی و انواع آن آگاه باشند (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۱). سبک‌های یادگیری بوسیله بسیاری از صاحب نظران به عنوان یکی از عوامل موفقیت در تحصیلات عالی معرفی شده‌اند. اگرچه عموماً چنان تلقی می‌شود که دانشجویان می‌توانند با آگاهی از سبک‌های یادگیری‌شان موفقیت بیشتری در تحصیل بدست آورند لیکن همه دانشجویان نیز از ویژگی‌های سبک یادگیری خود آگاهی ندارند. افزایش آگاهی نسبت به شیوه یادگیری باعث فراگیری کاراتر شده و استفاده از عوامل محیطی به شکل مطلوب و در راستای یادگیری فردی و حذف اعمال نامناسب را سبب می‌شود. مدرس باید روش‌های ارتباطی و آموزشی خود را تا آنجا که ممکن است با سبک‌های یادگیری و تفکر فراگیران وفق دهد تا یادگیری هرچه بهتر و عمیق‌تر اتفاق افتد (پازارگادی و طهماسبی، ۱۳۸۹).

مداخلات پژوهشی و در بسیاری از موارد کاربرد نظریات مربوط به سبک یادگیری، روش‌های متنوعی را برای طبقه‌بندی سبک‌های یادگیری پدید آورده است. امروزه هیچ طبقه‌بندی کاملاً پذیرفته‌ای در این زمینه وجود ندارد و مقیاس‌ها و دسته‌بندی‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند (دابسون، ۲۰۰۹). اکثر این مقیاس‌ها و طبقه‌بندی‌ها شباهت زیادی با هم داشته و عمدتاً بر ترجیحات محیط آموزشی، شرایط احساسی و ادراکی، انواع شخصیت و یا سبک‌های شناختی تأکید می‌نمایند (بوید^۱ و همکاران، ۲۰۰۹).

۱. Boyde

اساتیدی که دانش کافی در این زمینه داشته باشند می‌توانند تعلیم خود را به گونه‌ای متناسب نمایند که به بهترین وجه هماهنگ با سبک‌های یادگیری قابل مشاهده از اکثریت دانشجویان باشد. به همین ترتیب دانشجویان با آگاهی از ترجیحات مورد نظر خود در یادگیری می‌توانند توانمندی لازم را برای استفاده از روش‌های مختلف در جهت ارتقای یادگیری کسب نموده و بدین وسیله رضایت‌مندی آموزشی آنها نیز تقویت گردد. این توانمندی به ویژه حالت انتقادی داشته و زمانی که سبک تدریس استاد با سبک یادگیری دانشجو هماهنگ نیست مفید واقع می‌شود (رومنلی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). توجه به سبک‌های یادگیری در محیط‌های دانشگاهی به آموزش‌های از راه دور و غیرحضوری نیز بسط یافته است. به این ترتیب تأثیرات محیطی و دسترسی گسترده‌تر به پیشرفت‌های تکنولوژیک نظیر اینترنت و رسانه‌های دیجیتال می‌تواند سازگاری بهتری بین نسل جدید دانشجویان و آموزش‌های مجازی و الکترونیک برقرار سازد (پیوزیک^۲ و همکاران، ۲۰۰۷).

بر طبق مطالب ذکر شده، ضرورت شناخت سبک‌های یادگیری برای تقویت نظام آموزشی در دانشگاه‌ها و بالا بردن بنیه علمی دانشجویان به وضوح مشخص می‌شود. بر همین اساس این تحقیق به دنبال پاسخ دادن به این سوال است که کدام یک از سبک‌های یادگیری برای انتقال مفاهیم حسابداری به دانشجویان کاربردی‌تر است

پیشینه تحقیق

از مؤثرترین رویکردها در مطالعه یادگیری، سبک‌های یادگیری است که در سال‌های اخیر با تأکید بر آن چهارچوبی نسبتاً نوین در زمینه‌ی یادگیری تدوین شده است. مطالعه در مورد سبک‌های یادگیری به دلیل علاقه به تأثیر تفاوت‌های فردی در فرایند یادگیری در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز گردید. تا دهه ۱۹۷۰ تحقیقات وسیعی در این رابطه صورت گرفت. اما پس از آن، از میزان آن کاسته شد. در دو دهه‌ی اخیر علاقه به مطالعه سبک‌های یادگیری مجدداً افزایش یافته و هم اکنون سبک‌های یادگیری و ارتقای محیط‌های یادگیری اثربخش تمرکز پژوهش‌ها به عنوان یکی از

۱. Romanelli

۲. Pusic

موضوع‌های جدی حوزه یادگیری بوده است (تری^۱، ۲۰۰۱). اصطلاح سبک یادگیری را نخستین بار تلان (۱۹۵۴؛ به نقل از کیفه^۲، ۱۹۷۹) مطرح کرد. تعاریف متعددی از سبک یادگیری ارائه شده است. کیفه (۱۹۷۹) اصطلاح سبک یادگیری را مؤلفه‌ای نسبتاً پایدار از نحوه دریافت و تعامل دانش آموزان با محیط یادگیری توصیف کرده است. رویین و گراون هورست^۳ (۲۰۰۷) سبک یادگیری را چگونگی تمایل فرد به یادگیری و انطباق با محیط تعریف نموده‌اند. داف^۴ (۲۰۰۴) سبک‌های یادگیری را گونه‌های متفاوت دریافت، رمزگردانی، ذخیره و پردازش تعریف نموده است. کالکیت^۵ و همکاران (۲۰۰۰) در مروری بر پژوهش‌های انجام شده در یک دوره بیست ساله در زمینه یادگیری، سبک یادگیری را عامل مهمی در ایجاد انگیزه و موفقیت تحصیلی دانش آموزان تعریف نموده‌اند. علاوه بر این هندری^۶ و همکاران (۲۰۰۵)، هانگسفلد و شیرینگ^۷ (۲۰۰۴) و فارکاس^۸ (۲۰۰۳)، نقش سبک‌های یادگیری را بر یادگیری آموزشگاهی و موفقیت تحصیلی، مطالعه و آن را مثبت ارزیابی نمودند.

دیوید کُلب^۸ در سال ۱۹۷۴ به منظور فراهم ساختن درک بهتری از روش‌های متفاوت افراد در یادگیری، نظریه‌ی سبک‌های یادگیری خود را مطرح ساخت. کُلب اعتقاد دارد ما از چهار روش احساس کردن (انجام تکالیف در منزل)، تماشا کردن (مشاهده باورپوینت و چند رسانه‌ای‌ها در کلاس)، فکر کردن (هنگام تدریس معلم) و یا انجام دادن (انجام تکالیف گروهی و مباحثه) یاد می‌گیریم. از ترکیب این شیوه‌های یادگیری چهار سبک، به نام‌های واگرا، جذب کننده، هم‌گرا و انطباق یابنده به وجود می‌آیند.

۱. Terry

۲. Keefe

۳. Robynne & Gravenhorst

۴. Daff

۵. Colquitt

۶. Hendry

۷. Farkas

۸. Kolb

ویژگی افراد واگرا: تیپ شخصیتی این افراد درون گرا و احساسی است. افرادی که سبک یادگیری‌شان واگرا است به هنر، تاریخ، زبان و روانشناسی علاقه بیشتری دارند و در حرفه خود اغلب به کارهای هنری و خدمات اجتماعی می‌پردازند.

ویژگی افراد جذب کننده: تیپ شخصیتی این افراد درون گرا و شهودی است. افرادی که سبک یادگیری‌شان جذب کننده است به ریاضیات، فیزیک و علوم پایه علاقه بیشتری دارند و در حرفه خود اغلب به کارهای تحقیقاتی می‌پردازند.

ویژگی افراد همگرا: تیپ شخصیتی این افراد برون گرا و متفکر است. افرادی که سبک یادگیری‌شان همگراست به مهندسی و پزشکی علاقه بیشتری دارند و در حرفه خود اغلب به کارهای فنی مهندسی و پزشکی می‌پردازند.

ویژگی افراد انطباق یابنده: تیپ شخصیتی این افراد برون گرا و حسی است. افرادی که سبک یادگیری-شان انطباق یابنده است به آموزش، ارتباطات و پرستاری علاقه بیشتری دارند و در حرفه خود اغلب به کارهای فروش، بازرگانی و آموزش می‌پردازند.

هاشمی و لطیفیان (۱۳۸۸)، پژوهشی در مورد ارتباط بین پنج عامل شخصیت و سبک‌های یادگیری در میان دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی و فنی- مهندسی دانشگاه شیراز انجام دادند. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیت با سبک‌های یادگیری بوده است. شرکت کنندگان در این پژوهش شامل ۱۹۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر سال‌های دوم و سوم دانشکده‌های علوم تربیتی و مهندسی دانشگاه شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند و از پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت گلدبرگ و سبک یادگیری کلب استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که وظیفه‌مداری، پیش‌بینی کننده آزمایشگری فعال برای پسران و دختران و دانشجویان رشته‌ی مهندسی و پیش‌بینی کننده مشاهده تأملی در دختران و در رشته علوم انسانی است.

نتایج پژوهش معیاری و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان داد که بیشترین سبک‌های یادگیری در دانشجویان سال اول به ترتیب همگرا و جذب کننده، و در دانشجویان سال پنجم همگرا و انطباق یابنده بودند. بین سبک یادگیری دو گروه دانشجویان اختلاف معنی‌داری یافت نشد. به طوری که در دانشجویان سال پنجم، سبک همگرا و انطباق یابنده بیش از دانشجویان سال اول و در مورد سبک

جذب کننده و واگرا، نتیجه بالعکس بود، بین سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی داری یافت نشد. همین طور سبک یادگیری غالب در کلیه دانشجویان همگرا می باشد.

خسروی (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان رابطه بین سبک‌های تفکر با سبک ادراکی، سبک مفهومی و سبک یادگیری دانش آموزان این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر با متغیرهایی نظیر سبک ادراکی، سبک مفهومی، سبک یادگیری بر روی ۱۰۳ نفر از دانش آموزان که به روش‌های تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند، انجام گرفت. جهت جمع آوری داده‌ها پرسشنامه سبک‌های تفکر (۱۹۹۲)، سیاهه سبک یادگیری (۱۹۸۵)، آزمون اشکال نهفته (۱۹۷۱) و آزمون همتایابی اشکال آشنا (۱۹۶۴) بر روی آزمودنی‌ها اجرا گردید. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از روش همبستگی چندگانه و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج به دست آمده از تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد جنسیت، سبک ادراکی، سبک مفهومی و سبک یادگیری با سبک‌های تفکر قانون‌گذار و پایور سالار، اجرایی، قضاوت‌گر، جزئی‌نگر، بیرونی و آزاداندیش رابطه معنادار دارد.

نتایج پژوهش رضایی (۱۳۹۰) نشان داد که از بین شیوه‌های یادگیری کلب فقط مفهوم سازی انتزاعی با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی داری دارد و هیچ کدام از سبک‌های یادگیری هانی و مامفورد با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور رابطه معنی داری نداشتند.

فرمانبر و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی ارتباط سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب با موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی پرداختند. هدف این پژوهش تعیین ارتباط بین سبک‌های یادگیری با موفقیت تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی بوده است. نتایج از این قرار است که با توجه به برخورداری بیشتر دانشجویان از سبک‌های یادگیری همگرا و جذب کننده پیشنهاد می‌شود از محیط‌های یادگیری متناسب با این سبک‌ها از جمله پافشاری بر کاربرد عملی مطالب و واداشتن دانشجویان به موشکافی مسائل در آموزش استفاده شود.

غیبی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی در مورد رابطه سبک‌های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان گروه‌های تحصیلی انجام داد روش پژوهش علی-مقایسه‌ای و همبستگی و جامعه آماری شامل ۷۰۶۰ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی از میان آن‌ها ۳۶۴ نفر انتخاب شد. ابزار اندازه-

گیری، پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۹۹) و خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲) بود. یافته‌ها نشان داد دانشجویان علوم انسانی سبک یادگیری انطباق‌یابنده، دانشجویان فنی-مهندسی سبک همگرا و دانشجویان علوم پایه سبک جذب‌کننده داشتند. رابطه خودکارآمدی و گروه تحصیلی و جنس معنادار بود. خودکارآمدی دانشجویان فنی-مهندسی نسبت به گروه‌های علوم انسانی و علوم پایه و دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر بالاتر بود. تفاوتی در سبک یادگیری دانشجویان دختر و پسر مشاهده نشد. برای ایجاد یا افزایش خودکارآمدی دانشجویان لازم است آن‌ها از سبک‌های یادگیری هر رشته تحصیلی و مشاغل مرتبط با آن آگاهی‌یابند تا بتوانند از نظر تحصیلی و شغلی موفق باشند. همچنین باید تدابیری اتخاذ کرد تا سبک‌ها و روش‌های تدریس استادان در دانشگاه متناسب با سبک یادگیری خاص هر رشته تحصیلی باشد تا آموزش مطلوب تحقق‌یابد و دانشجویان بتوانند مبانی رشته تخصصی خود را یاد بگیرند و از دانش خود به طور کاربردی استفاده کنند تا خود را افرادی کارآمد بدانند.

خندقی و رجائی (۱۳۹۲)، به بررسی تأثیر سبک یادگیری دانشجویان بر سبک تدریس مرجح آنان پرداختند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سبک تدریس مرجح دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد بر سبک یادگیری آنان انجام شد. ۱۸۰ دانشجو از میان ۵۰۰ دانشجو در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ از طریق جدول نمونه‌گیری مورگان، انتخاب شد و به پرسشنامه‌های سبک تدریس و سبک یادگیری پاسخ دادند. نتایج حاکی از آن است که دانشجویان به سبک تدریس فعال گرایش دارند و سبک یادگیری غالب آنان نیز سبک همگرا و جذب‌کننده است.

فراجی^۱ (۲۰۱۰)، طی مطالعه‌ای به بررسی نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و سبک‌های یادگیری مرجح دانشجویان سال اول مهندسی شیمی پرداخت. نتایج پژوهش او نشانگر دیدگاه مثبت دانشجویان به رشته تحصیلی خود و علاقه به ادامه تحصیل بود. وی پیشنهاد می‌دهد که از آنجا که دانشجویان علاقه به ادامه تحصیل دارند با هماهنگی کردن روش آموزش و سبک یادگیری فراگیران باید به آنان کمک کرد تا به اهداف بالاتر تحصیلی نایل شوند و فرصتی فراهم شود تا آنان شایستگی‌های خود را بروز دهند.

۱. El-Faragy

امیر و جلاس^۱ (۲۰۱۰)، مطالعه‌ای با هدف بررسی تطابق سبک تدریس و سبک یادگیری در یکی از دانشگاه‌های مالزی انجام دادند. آن دو نمونه‌ای ۲۵۰ نفری از دانشجویان و ۱۲۰ نفری از آموزشگران را انتخاب کردند و از پرسشنامه سبک تدریس و یادگیری گراشاورپچمان (۲۰۰۶) استفاده کردند. نتایج نشان داد که سبک تدریس آموزشگران بیشتر خبره، تسهیلگر و انتقالی؛ و سبک یادگیری دانشجویان بیشتر رقابتی و همکارانه بوده است. این محققان پیشنهاد می‌دهند که آموزشگران و دانشجویان باید از سبک تدریس آموزشگران و سبک یادگیری خود مطلع شده و با ایجاد همخوانی بیشتر بین این دو موجبات نتایج یادگیری بیشتر را فراهم آورند.

فرضیات تحقیق

با مطالعه ادبیات تحقیق فرضیات زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند.

۱. بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از نظر سبک‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.
 - ۱-۱. سبک یادگیری جذب کننده در میان مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت دارد.
 - ۲-۱. سبک یادگیری واگرا در میان مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت دارد.
 - ۳-۱. سبک یادگیری همگرا در میان مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت دارد.
 - ۴-۱. سبک یادگیری انطباق یابنده در میان مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت دارد.
۲. بین سبک‌های یادگیری براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.
 - ۱-۲. بین سبک یادگیری جذب کننده براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.
 - ۲-۲. بین سبک یادگیری واگرا براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.
 - ۳-۲. بین سبک یادگیری همگرا براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.
 - ۴-۲. بین سبک یادگیری انطباق یابنده براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی- پیمایشی بوده و به لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را، دانشجویان سال آخر کارشناسی حسابداری دانشگاه جامع علمی کاربردی، دانشگاه آزاد

۱. Amir & Jelas

اسلامی، پیام‌نور و دانشگاه فنی و حرفه‌ای بیرجند در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تشکیل داده‌اند. دلیل انتخاب دانشجویان سال آخر در این مطالعه آن بود که بتوانیم دریابیم که تا کنون سبک‌های یادگیری در میزان موفقیت تحصیلی این دانشجویان چه تأثیری داشته و چه رابطه‌ای بین سایر متغیرهای جمعیت شناختی و سبک‌های یادگیری در طول سال‌های تحصیلی داشته است. انتخاب دانشگاه‌های جامع علمی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور و ابن حسام بیرجند نیز بر مبنای جامعه در دسترس بود. نمونه پژوهش، تعداد ۱۱۰ تن از این دانشجویان بودند، که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در این مقطع انتخاب گردیدند. به دلیل مخدوش بودن تعدادی از پرسشنامه‌ها این تعداد به ۱۰۰ تن کاهش یافتند.

جدول شماره ۱: اطلاعات پرسشنامه‌های تحقیق

عنوان	تعداد
پرسشنامه‌های توزیع شده	۱۱۰
پرسشنامه‌های دریافت شده	۱۱۰
پرسشنامه‌های غیرقابل استفاده	۱۰
پرسشنامه‌های قابل استفاده	۱۰۰

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲ بخش بود:

- الف- اطلاعات دموگرافیک: شامل جنس، سن، رشته تحصیلی، وضعیت اشتغال، تأهل و معدل
- ب- پرسشنامه سبک یادگیری کلب (LSI)^۱: این پرسشنامه توسط دیوید کلب در سال ۱۹۷۶ برای سنجش سبک‌های یادگیری فرد ساخته شد (کلب، ۱۹۷۶؛ کلب و کلب، ۲۰۰۵). این آزمون از چهار بخش تشکیل شده و هر بخش نوعی از توانایی را می‌سنجد. پرسشنامه سبک یادگیری (LSI) دارای ۱۲ سوال و هر سوال شامل چهار گزینه می‌باشد و آزمودنی به طور معمول در مدت ۱۵ دقیقه به آن‌ها پاسخ می‌دهد. گزینه‌های پیشنهادی با توجه به نحوه یادگیری از نمره ۱ تا ۴ (خیلی کم، اندکی، تا حدی، کاملاً) مطابقت داده و رتبه‌بندی شدند. برای تعیین سبک یادگیری ابتدا گزینه‌های اول هر ۱۲

۱. Kolb Learning Style Inventory

سؤال با هم جمع و این کار برای گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ نیز تکرار شد؛ به این ترتیب چهار نمره کلی برای ۴ سبک یادگیری به دست آمد که نمره‌ی کل اول یعنی گزینه‌های ۱ به عنوان سبک یادگیری تجربه عینی (CE)، نمره‌ی کل دوم یعنی گزینه‌های ۲ به عنوان سبک یادگیری مشاهده تأملی (RO)، نمره‌ی کل سوم یعنی گزینه‌های ۳ به عنوان سبک یادگیری مفهوم سازی انتزاعی (AC)، و نمره‌ی چهارم یعنی گزینه‌های ۴ به عنوان سبک یادگیری آزمایشگری فعال (AE) در نظر گرفته شد. از جمع امتیازهای هر یک از گزینه‌های مربوط به ۴ روش اصلی یادگیری در ۱۲ سؤال پرسشنامه ۴ نمره به دست آمد که نشانگر ۴ الگوی یادگیری است. پایایی و روایی محتوایی بخش دوم این پرسشنامه پیش از این توسط کلب و سایر محققان در خارج از کشور (کلب، ۲۰۰۵) و در ایران نیز توسط سرچمی^۱ و همکاران (۲۰۰۴) بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ این پرسشنامه در ابعاد سبک جذب کننده، سبک واگرا، سبک همگرا و سبک انطباق یابنده به ترتیب ۰/۷۳۸، ۰/۸۲۱، ۰/۷۸۶ و ۰/۸۰۱ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل، داده‌های به دست آمده از پرسشنامه پس از کدگذاری وارد رایانه شد، سپس با استفاده از نسخه ۲۱ نرم‌افزار آماری SPSS و کمک آمار توصیفی (توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و تحلیلی (آزمون تی و همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

شاخص‌های توصیفی:

در این پژوهش داده‌های جمع‌آوری شده در دو بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد در بخش اول با استفاده از آماره‌های توصیفی ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌ها و سپس بر اساس میانگین و انحراف معیار بررسی خواهد شد در بخش دوم با استفاده از آمار استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته خواهد شد. نتایج داده‌های توصیفی ارائه شده در جدول شماره ۲ حاکی از آن است که الگوی یادگیری انطباق یابنده دارای بیشترین میانگین و انحراف معیار در میان دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش بوده است.

۱. Sarchami

جدول شماره ۱: فراوانی بر حسب جنسیت و دانشگاه

جنس	دانشگاه آزاد	دانشگاه پیام نور	دانشگاه علمی کاربردی	دانشگاه فنی و حرفه‌ای	جمع
مرد	۱۱	۲۰	۷	۲۵	۶۳
زن	۱۴	۹	۱۴	-	۳۷
جمع	۲۵	۲۹	۲۱	۲۵	۱۰۰

جدول شماره ۲: توزیع توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
سبک جذب کننده	۱۰۰	۱۸	۴۶	۳۴/۱۲	۶/۰۴۰
سبک واگرا	۱۰۰	۱۹	۴۴	۳۲/۷۴	۵/۱۶۱
سبک همگرا	۱۰۰	۲۳	۴۷	۳۷/۰۷	۵/۷۳۸
سبک انطباق یابنده	۱۰۰	۲۰	۴۸	۳۷/۶۸	۶/۱۴۹

پس از بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای وارد شده در پژوهش، نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش مورد از طریق آزمون Z مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۳: نتایج مربوط به آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Kolmogorov-Smirnov Z	Sig	نتیجه آزمون
سبک جذب کننده	۱۰۰	۳۴/۱۲	۶/۰۴	۰/۷۲۱	۰/۶۷۶	نرمال
سبک واگرا	۱۰۰	۳۲/۷۴	۵/۱۶	۱/۱۶۴	۰/۱۳۳	نرمال
سبک همگرا	۱۰۰	۳۷/۰۷	۵/۳۷	۰/۸۵۲	۰/۴۶۳	نرمال
سبک انطباق یابنده	۱۰۰	۳۷/۶۸	۶/۱۴	۱/۰۰۸	۰/۲۶۲	نرمال

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشخص شده است، تمامی متغیرهای این تحقیق از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول شماره ۴: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	سبک جذب کننده	سبک واگرا	سبک همگرا	سبک انطباق یابنده
سبک جذب کننده	۱			
سبک واگرا	۰/۵۱۲**	۱		
سبک همگرا	۰/۴۶۹**	۰/۵۵۴**	۱	
سبک انطباق یابنده	۰/۳۱۳**	۰/۴۰۵**	۰/۵۰۴**	۱

** معناداری در سطح ۰/۰۱

همانگونه که در جدول همبستگی فوق نشان داده شده است، همبستگی مثبت و معناداری، در سطح معناداری ۰/۰۱ بین کلیه متغیرهای سبک‌های یادگیری وجود داشت.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از نظر سبک‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی اثر مقطع تحصیلی بر روی متغیرهای سبک‌های یادگیری از شیوه تی تست برای تحلیل داده‌ها استفاده گردید که خلاصه‌ی این اطلاعات در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است. از آنجایی که در بخش تی تست سبک جذب کننده و انطباق یابنده دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان با سطح اطمینان ۹۵٪ این گونه نتیجه‌گیری کرد که سبک جذب کننده و انطباق یابنده به طور معناداری در مقطع کاردانی بیشتر از کارشناسی است؛ اما دو سبک همگرا و واگرا در میان دو گروه به طور معناداری متفاوت نمی‌باشند.

جدول ۵: تی تست متغیرهای مستقل برای مقایسه سبک‌های یادگیری بر حسب مقطع تحصیلی

سطح معناداری	درجه آزادی	t	کارشناسی			کاردانی			متغیرها
			انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۸	۹۷/۲۸	۲/۶۹	۶/۴۷	۳۲/۸۶	۵۹	۴/۸۸	۳۵/۹۳	۴۱	سبک جذب کننده
۰/۵۴۰	۹۸	۰/۶۱	۵/۹۱	۳۲/۴۷	۵۹	۳/۸۷	۳۳/۱۲	۴۱	سبک واگرا
۰/۰۳۳	۹۴/۱۴	۲/۱۶	۶/۰۰	۳۶/۰۸	۵۹	۵/۰۸	۳۸/۴۹	۴۱	سبک همگرا
۰/۱۱۶	۹۴/۷۸	۱/۵۹	۶/۵۳	۳۶/۹۰	۵۹	۵/۴۳	۳۸/۸۰	۴۱	سبک انطباق یابنده

فرضیه دوم: بین سبک یادگیری براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.
آماره‌های مربوط به آزمون فرضیه دوم تحقیق در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۶: آماره‌های آزمون T برای مقایسه سبک‌های یادگیری بر حسب جنس

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	معنی داری
سبک جذب کننده	مرد	۴۸	۳۳/۳۵	۶/۰۷	۰/۲۲	۹۸	۰/۲۲۵
	زن	۵۲	۳۴/۸۲	۵/۹۷			
سبک واگرا	مرد	۴۸	۳۲/۹۳	۴/۹۵	۰/۳۶	۹۸	۰/۷۱۵
	زن	۵۲	۳۲/۵۵	۵/۳۸			
سبک همگرا	مرد	۴۸	۳۷/۷۹	۵/۳۸	۰/۲۱	۹۸	۰/۲۲۷
	زن	۵۲	۳۶/۴۰	۶/۰۲			
سبک انطباق یابنده	مرد	۴۸	۳۷/۵۴	۵/۸۵	۰/۲۱۵	۹۸	۰/۸۳۰
	زن	۵۲	۳۷/۸۰	۵/۴۸			

نتایج نشان داد که بین سبک‌های یادگیری بر اساس جنس تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث

فرضیه اول: بین دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف از نظر سبک‌های یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد.
نتایج به دست آمده با سطح اطمینان ۹۵٪ این گونه نشان دادند که سبک جذب کننده و انطباق یابنده به طور معناداری در مقطع کاردانی بیشتر از کارشناسی است؛ اما دو سبک همگرا و واگرا در میان دو گروه به طور معناداری متفاوت نمی‌باشند.

لذا با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه‌ی گذشته سبک جذب کننده پیش‌بینی کننده‌ی افزایش معنادار معدل و سبک انطباق یابنده پیش‌بینی کننده‌ی کاهش معدل بودند. لذا می‌توان دید که این دو سبک مقابل یکدیگر در مقطع کاردانی به صورت معناداری بیشتر از مقطع کارشناسی وجود

دارند. لذا این امر خود باعث تفکیک دانشجویان مقطع کاردانی به دو گروه بسیار خوب و بسیار ضعیف خواهد شد، که شاید یک دلیل تفاوت‌شان استفاده از سبک‌های یادگیری متفاوت است. نتایج پژوهش معیاری و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان داد که بیشترین سبک‌های یادگیری در دانشجویان سال اول به ترتیب همگرا و جذب کننده، و در دانشجویان سال پنجم همگرا و انطباق یابنده بودند. بین سبک یادگیری دو گروه دانشجویان اختلاف معنی‌داری یافت نشد. به طوری که در دانشجویان سال پنجم، سبک همگرا و انطباق یابنده بیش از دانشجویان سال اول و در مورد سبک جذب کننده و واگرا، نتیجه بالعکس بود. یادگیری، فرآیند تغییر و پیشرفت مستمر افراد یا سازمان‌ها است و در این فرآیند، باورهای بنیانی یا منطق غالب آنها تغییر می‌کند. یادگیری فرآیند افزایشی و مستمر است که براساس تجربه و تعامل با محیط صورت می‌پذیرد. از طریق یادگیری، فرد با محیط خود آشنا می‌شود، در مقابل محیط ایستادگی می‌کند و از محیط برای تأمین نیازهای خود بهره‌مند می‌شود و رشد عقلانی، عمدتاً در سایه یادگیری صورت می‌گیرد. در زمینه عاطفی، فرد نحوه بروز عواطف و کنترل عواطف را فرا می‌گیرد.

فرضیه دوم: بین سبک‌های یادگیری براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده در این پژوهش فرضیه‌ی تبیین شده توسط پژوهشگر را رد کرد، و نشان داد که بین سبک‌های یادگیری و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج به دست آمده تحقیقات مختلف در مورد جنس همپوشی زیادی را نشان می‌دهند و با نتایج پژوهش حاضر همسو نمی‌باشند. ویتکین^۱ (۱۹۷۷) مردان را نسبت به زنان متمایل‌تر به ناپسته بودن به زمینه معرفی کرده است. آزاد مرد (۱۳۷۹) و عاصمیان (۱۳۸۴) تفاوت معناداری بین سبک‌های یادگیری و شناختی دختران و پسران مشاهده نمودند. و محرابی^۲ (۱۹۹۹) زنان را بیشتر از مردان ناپسته به زمینه گزارش کرد. در کل نتایج تحقیقات به ثبات یک نظریه متمایل نیستند و این شاید بدین خاطر باشد که سبک‌های یادگیری افراد در جوامع مختلف بسته به شیوه‌ای که دختران در آن اجتماعی می‌شوند؛ تمایل کلی اجتماع در برخورد با دختران و تمایل والدین به شیوه‌های تربیتی همنوایی یا اطاعت محض متفاوت باشد.

۱. Witkin

۲. Mehrabi

نتیجه‌گیری

به اعتقاد کلب همه افراد یاد می‌گیرند ولی با سبک‌های متفاوت (کلب و کلب، ۲۰۰۵). در بین همکلاسی‌های شما برخی هستند که بلافاصله بعد از توضیح معلم درس را فرا می‌گیرند که این افراد اغلب سبک یادگیری‌شان جذب کننده است. برخی دیگر از همکلاسی‌هایتان هستند که مطلب را کمی دیرتر یاد می‌گیرند و یا اصلاً سر کلاس یاد نمی‌گیرند، این بدان معنی نیست این افراد هوش کمتری دارند و نمی‌توانند یاد بگیرند بلکه سبک یادگیری‌شان متفاوت است و ممکن است جذب کننده، واگرا، هم‌گرا یا انطباق‌یابنده باشد. تفاوت‌های افراد در یادگیری فقط تا حدی به هوش و توانایی‌های آن‌ها بستگی دارد؛ بنابراین عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی، دشواری تکلیف‌ها و تفاوت سبک‌ها نیز در این امر دخیل‌اند. پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی سبک‌های یادگیری نشان داده‌اند چنانچه با توجه به ترجیحات و سبک‌های متناسب افراد به آنها آموزش داده شود، به طور محسوسی پیشرفت تحصیلی آنها افزایش می‌یابد.

این تحقیق نشان می‌دهد سبک غالب یادگیری در بین دانشجویان مورد بررسی، سبک انطباق‌یابنده است. در این سبک یادگیری، شیوه‌های تجربی عینی و آزمایشگری فعال با هم ترکیب می‌شوند. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، بیشترین توانایی را در یادگیری تجارب دسته اول دارند. این افراد از اجرای طرح‌ها و درگیر کردن خود با تجارب تازه و چالش‌انگیز، بیشترین لذت را می‌برند. این افراد تمایل دارند به عمل پردازند، تا به تحلیل‌های منطقی. همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر بر مردم تکیه دارند. این سبک یادگیری در مشاغل فعال مثل بازاریابی یا فروشندگی مؤثر است. افرادی که سبک یادگیری‌شان انطباق‌یابنده است به آموزش، ارتباطات و پرستاری علاقه بیشتری دارند و در حرفه خود اغلب به کارهای فروش، بازرگانی و آموزش می‌پردازند. لذا تغییر شیوه تدریس از حالت سخنرانی صرف به استفاده از ابزارهای مدرن آموزشی مانند پاورپوینت و فیلم‌های آموزشی، استفاده از روش بحث گروهی و انجام فعالیت‌های عملی در حین تدریس می‌تواند باعث یادگیری اکثر دانشجویان و افزایش انگیزه آنان شود و مدرسین باید از روش‌های متنوع در تدریس استفاده نمایند تا فرصت تجارب یادگیری برای همه دانشجویان فراهم باشد. براساس پژوهش حاضر ضرورت شناخت سبک‌های یادگیری برای تقویت نظام آموزشی در دانشگاه‌ها و بالا

بردن بنیه علمی دانشجویان به وضوح مشخص می‌شود و مدرسین باید از روش‌های متنوع در تدریس استفاده نمایند تا فرصت تجارب یادگیری برای همه دانشجویان فراهم باشد. تأثیرات محیطی و دسترسی گسترده‌تر به پیشرفت‌های تکنولوژیک نظیر اینترنت و رسانه‌های دیجیتال می‌تواند سازگاری بهتری بین نسل جدید دانشجویان و آموزش‌های مجازی و الکترونیک برقرار سازد.

از سوی دیگر هماهنگی و توافق بین سبک فرد و سبک موقعیت یا تکلیفی که با آن مواجه شده است عامل مهمی در موفقیت فرد است. عدم توافق بین سبک یادگیری فرد و سبک آموزشی می‌تواند علت ناتوانی فرد در یادگیری باشد.

مشاوران در دانشگاه جامع علمی کاربردی در مقاطع مختلف تحصیلی با آگاهی از اطلاعات بدست آمده در این تحقیق نسبت به افزایش سطح علمی دانشجویان کمک کنند.

کارگاه علمی سبک‌های یادگیری دانشجویان حسابداری جهت اساتید برنامه‌ریزی گردد تا اساتید با اشراف به این موضوع و توجه به سبک یادگیری هر فرد اقدام به تدریس نمایند.

با توجه به نتایج تحقیق جهت دانشجویان اقدام به برگزاری جلسه آموزشی سبک‌های یادگیری مناسب گردد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- ۱- در این پژوهش مشاهده کردیم که سبک‌های جذب کننده و همگرا بیشترین تأثیر مثبت را بر روی معدل دانشجویان داشتند، در حالیکه سبک انطباق یابنده پیش‌بینی کننده‌ی کاهش معدل بود. که اشاره شد شاید متغیر دیگری که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا برای پژوهش‌های بعدی وارد کردن سایر متغیرهای محتمل مؤثر بر معدل و سبک-های یادگیری توصیه می‌شود.
- ۲- موضوع پژوهش با دانشجویان دیگر رشته‌ها نیز انجام پذیرد.
- ۳- جهت رسیدن به ثبات نسبی در زمینه تحلیل عوامل بدست آمده و همچنین جهت تعمیم بهتر نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی از این نوع بر روی جوامع پژوهشی مختلف (از لحاظ سن، فرهنگ و ...) انجام شود.

- ۴- این تحقیق با دیگر پرسشنامه‌ها مانند پرسشنامه سبک یادگیری رادفورد نیز انجام پذیرد و با نتایج تحقیق حاضر مقایسه گردد.
- ۵- پیشنهاد می‌شود پژوهش با هدف مداخله روانی در این زمینه صورت گیرد تا چگونگی اثربخشی آن روشن‌تر شود.

محدودیت‌ها

یافته‌های مذکور تحت تأثیر چند محدودیت می‌باشد:

- ۱- احتمالاً اساسی‌ترین محدودیت آن بهره‌گیری از طرح مقطعی است. برای تعیین جهتی که این روابط عمل می‌کند، مطالعه طولی لازم خواهد بود، به هر حال طرح‌های طولی آزمون-های بسیار دقیق‌تری از واسطه‌گری فراهم می‌آورند، لذا برای بررسی بیشتر اجرای مطالعه طولی لازم است.
- ۲- دومین محدودیت این است که به علت ویژگی جامعه مورد پژوهش که از آموزش‌های دانشگاهی برخوردارند، و نمونه پژوهش محدود به دانشجویان می‌باشد، تعمیم نتایج پژوهش به دیگر اقشار جامعه، دیگر گروه‌های سنی و قومی باید با احتیاط انجام شود.
- ۳- به دلیل محدودیت وسعت کار، پژوهش تنها توانست اثر چند متغیر مؤثر در سبک‌های یادگیری را تبیین نماید، ولی روشن است که متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، و شخصیتی بسیاری در این روند مؤثر می‌باشند، که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. آزاد مرد، ش. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری (وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه) و توانایی حل مسأله دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهر اردبیل در سال ۷۸-۷۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲. امامی پور، س.، و شمس اسفندآباد، ح. (۱۳۸۶). سبک‌های یادگیری و شناختی: نظریه‌ها و آزمون‌ها. تهران: سمت.

۳. بازارگادی، م. طهماسبی، س (۱۳۸۹). سبک‌های یادگیری و کاربرد آنها در پرستاری، مجله راهبردهای آموزشی، دوره ۳ شماره ۲، ۷۶-۷۳.
۴. رضایی، ا. (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های یادگیری کلب و سبک‌های یادگیری هانی و مامفورد با سن و عملکرد تحصیلی دانشجویان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی شماره هجدهم، سال ششم، پاییز ۸۹.
۵. سرمدی، م.، و زارع، ح. (۱۳۸۵). تأثیر سبک‌های یادگیری مستقل از زمینه و وابسته به زمینه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور. مجله پیک نور، ۴ (۴)، ۲۲-۱۴.
۶. عاصمیان، ف. (۱۳۸۴). سنجش ملی پیشرفت تحصیلی زبان فارسی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳ (پاییز).
۷. خسروی، ع.ا. (۱۳۸۹). رابطه بین سبک‌های تفکر با سبک ادراکی، سبک مفهومی و سبک یادگیری دانش آموزان. تحقیقات روانشناختی، دوره ۲، شماره ۵، ۸۴-۵۱۰۰.
۸. خندقی، ا.، رجائی، م. (۱۳۹۲). تأثیر سبک یادگیری دانشجویان بر سبک تدریس مرجع آنان، فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره بیست و هشتم، سال نهم.
۹. هاشمی، ز.، لطیفیان، م. (۱۳۸۸). ارتباط بین پنج عامل شخصیت و سبک‌های یادگیری در میان دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی و فنی - مهندسی دانشگاه شیراز. مطالعات روانشناسی، دوره ۶، شماره ۱۰، ۹۱-۱۱۴.
۱۰. ایزدی، ص.، محمدزاده ادملایی، ر. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان. دانشور رفتار، ۱۴ (۲۷)، ویژه مقالات علوم تربیتی ۹، ۲۸-۱۵.
۱۱. معیاری، ا.، صبور کاشانی، ا.، قریب، م.، بیگلرخانی، م. (۱۳۸۸). مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان سال اول و سال پنجم رشته پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دوره ۶، شماره ۲، ۱۱۸-۱۱۰.
۱۲. عزیزی، ف.، خانزاده، ع.، و حسینی، م. (۱۳۸۱). بررسی سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۸۰. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
۱۳. غیبی، م.، عارفی، م.، دانش، ع. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های یادگیری و خودکارآمدی دانشجویان گروه‌های تحصیلی، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال ۶، شماره ۱ (۲۱)، ۶۹-۵۳.
۱۴. فرمانبر، ر.، حسین زاده، ط.، اسدپور، م.، و یگانه، م. (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌های یادگیری براساس نظریه کلب با موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی. مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۲۲ (۸۶)، ۶۰-۶۸.
۱۵. صفاری، م. (۱۳۸۴). سبک‌های یادگیری

۱۶. زندگی، ب.، رشیدی، ف. (۱۳۸۷). ارتباط شبکه‌های یادگیری وابسته / نابسته به زمینه با پیشرفت تحصیلی زبان فارسی دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهر سقز در سال تحصیلی ۸۶-۸۷.
۱۷. Amir, R, Jelas.Z. M., (۲۰۱۰). Teaching and Learning Styles in Higher Education Institutions: Do They Match? Procedia Social and Behavioral Sciences, ۷(C), ۶۸۰-۶۸۴.
۱۸. Boyde M, Tuckett A, Peters R, Thompson DR, Turner C, Stewart S. Learning style and learning needs of heart failure patients (The Need+Know-HF patient study). Eur J CardiovascNurs. ۲۰۰۹ Dec;۸(۵):۳۱۶-۲۲.
۱۹. Colquitt, J. A., LePine, J. A., & Noe, R. A. (۲۰۰۰). Toward an integrative theory of training motivation: A meta_analytic path analysis of ۲۰ years of research, Journal of Applied Psychology, Vol ۸۵(۵), Oct ۲۰۰۰, ۶۷۸-۷۰۷.
۲۰. Daff, A. (۲۰۰۴). The role of cognitive learning style in accounting education: Developing learning competencies: New York: Educational Psychological Press. Educational Research, ۹۷, ۴۲۵۱.
۲۱. Dobson JL. Learning style preferences and course performance in an undergraduate physiology class. AdvPhysiol Educ. ۲۰۰۹ Dec; ۳۳(۴):۳۰۸-۱۴.
۲۲. El-Farargy, N. (۲۰۱۰). The views, attitudes and learning style preferences of Higher National Chemical Engineering students, education for chemical engineers, ۵(۴), e۵۵-e۷۱.
۲۳. Farkas, R. D. (۲۰۰۳). Effect of traditional versus learning-style instructional methods on middle – school students. Journal of path analysis of ۲۰ years of research. Journal of Applied Psychology, ۸۵, ۶۷۸۷۰۷.
۲۴. Hendry, G. D., Heinrich, P., Lyon, P. M., Barratt, A. L, Simpson. J. M., S. J. et. (۲۰۰۵). Helping students understand their learning style: Effects on study self efficacy, preferences for group work, & group climate. Psychology, ۲۵, ۳۹۵۴۰۷.
۲۵. Honigsfeld, A., Schiering, M. (۲۰۰۴). Diverse approaches to the diversity of learning style in teacher education. Educational psychology, ۲۴, ۴۸۸۷۵۰.

۲۶. Hueyching. J. & Reeves. T.C. (۱۹۹۲), Mental models: A research focus for interactive learning system. Educational Technology research and Development, ۴۰. ۳۹-۵۹.
۲۷. Keefe, J. W. (۱۹۷۹). Learning style: An overview. British Journal of Educational Psychology, ۶۷, ۱۹۲-۲۱۲.
۲۸. Kolb, A. Y., & Kolb, D. A. (۲۰۰۵). The Kolb Learning Style Inventory-Version ۳,۱. Technical Specifications, available at: www.learningfromexperience.com.
۲۹. Kolb, D. A. (۱۹۷۶). Management and the learning process. California Management Review, ۱۸, ۲۱-۳۱.
۳۰. Mehrabi, H. (۱۹۹۹). The effect of field independence on the students choice cognitive strategies in the EFL situation. A Thesis for the Degree of master of arts in Teaching English. Tarbiat Modarres university.
۳۱. Norman G. When will learning style go out of style? Adv Health Sci Educ Theory Pract. ۲۰۰۹ Mar;۱۴(۱):۱-۴.
۳۲. Pusic MV, Leblanc VR, Miller SZ. Linear versus web-style layout of computer tutorials for medical student learning of radiograph interpretation. AcadRadiol. ۲۰۰۷ Jul;۱۴(۷):۸۷۷-۸۹.
۳۳. Robynne, M. & Gravenhorst, B. A., M. S. (۲۰۰۷). Student Learning styles & Academic Performance in a nontraditional anatomy course. Journal of Dance Education. ۷ (۲), ۳۸۴۵.
۳۴. Romanelli F, Bird E, Ryan M. Learning styles: a review of theory, application, and best practices. Am J Pharm Educ. ۲۰۰۹ Feb ۱۹;۷۳(۱):۹.
۳۵. Sarchami R, & S.S., H. (۲۰۰۴). Relation of learning styles with Ghazvin nurse student's educational progress. The Journal of Qazvin University of Medical Sciences, ۳۰, ۶۴-۶۷.
۳۶. Stahl, S. A. (۲۰۰۲). Different strokes for different folks? In L. Abbeduto (Ed.), Taking sides: Clashing on controversial issues in educational psychology (pp. ۹۸-۱۰۷). Guilford, CT, USA: McGraw-Hill.

۳۷. Terry, M. (۲۰۰۱). Translating learning style theory in to university teaching practices: An article based on kolb experiential learning model. Journal of College Reading and Learning, ۳۲, ۱: ۶۸۸۶
۳۸. Witkin, H. A., Moore, C. A., Goodenough, D. D. R., & coz, P. W. (۱۹۷۷). Field dependent an field independent cognitive styles and their educational implications. Review of educational research, ۴۷ .
۳۹. Zoghi M, Brown T, Williams B, Roller L, Jaberzadeh S, Palermo C, et al. Learning style preferences of Australian health science students. J Allied Health. ۲۰۱۰ Summer;۳۹(۲):۹۵-۱۰۳.